

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و یکم رمضان ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۱/۲/۳

شب وداع، شهادت مولای متقیان علی (علیه السلام)

شب قدر و شب احیا ، شب شهادت مولا علی مرتضی به شمشیر اشقی الاشقیاء به همه شیعیان جهان به همه ارادتمندان و موالیان و محبین اهل بیت عصمت و طهارت تعزیت و تسلیت باد ، بهترین بهره‌های از عزاداری‌ها و برکات این شبها نصیب و روزی همه شیعیان و مسلمانان جهان باد.

«السَّلَامُ عَلَى قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، السَّلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ»، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ

آن شب علی را حال و روز دیگری بود در جان مولا ساز و سوز دیگری بود

آن شب علی عزم سفر کردن به سر داشت زهرا سرشک غم به چشمان زین سفر داشت

حضرت امیر(صلوات الله و سلامه علیه) فرمود: «سَكُنُوا فِي أَنْفُسِكُمْ مَعْرِفَةَ مَا تَعْبُدُونَ حَتَّى يَنْفَعَكُمْ مَا تُحَرِّكُونَ مِنَ الْجَوَارِحِ بِعِبَادَةِ مَنْ تُعْرِفُونَ- معرفت و شناخت آن کس را که می‌پرستید، در جان خود جای دهید تا حرکت‌های بدنی که برای عبادت معبود شناخته شده خویش تحمل می‌کنید، شما را سود رساند.» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۳)

موضوع تدبر:

این است که چگونه چنین معرفتی در در دل خود جا دهیم که عبادت‌ها و تلاش‌های ما بیهوده و بی‌ثمر نباشد؟!

پاسخ:

در پاسخ این سؤال حضرت امیر(صلوات الله علیه) به ابوذر غفاری رحمت الله علیه فرمود: « يَا أَبَاذَر! أَلَزِمَ قَلْبَكَ الْفِكْرَ وَ لِسَانَكَ الذِّكْرَ وَ جَسَدَكَ الْعِبَادَةَ وَ عَيْنَيْكَ الْبُكَاءَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ لَا تَهْتَمَّ بِرِزْقِ غَدٍ وَ أَلَزِمَ الْمَسَاجِدَ عُمَارَهَا هُمْ أَهْلُ اللَّهِ وَ خَاصَّتِهِ قُرَاءُ كِتَابِهِ الْعَامِلُونَ بِهِ - قلب خود را از فکر جدا مکن و زبان خود را دائماً به ذکر مشغول بدار و بدن خود را به عبادت بگمار و دو چشم خود را به گریه از خوف خدا عادت بده، و در غم روزی فردا مباش، از مساجد جدا مشو، به درستی که تعمیر کنندگان مساجد اهل الله می‌باشند، و کسانی به مساجد اختصاص دارند که قرآن می‌خوانند و به آن عمل می‌کنند»(ارشاد القلوب، دیلمی، ج ۱، ص ۷۷)

« أَلْزَمَ قَلْبَكَ الْفِكْرَ »: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: « الْفُكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ وَ الْاِغْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ وَ كَفَى أَدَباً لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهَتْهُ لِعَيْرِكَ - اندیشه آینه‌ی صافی است (که اشیاء را به خوبی نمایش می‌دهد) و عبرت گرفتن، هشدار دهنده خیرخواهی است و برای ادب کردن نفست کافی است که از اخلاقی که برای دیگران بد می‌دانی، خودت دوری نمایی. » (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۵)

آنچه مهم است دقت و شدت حقیقت‌نمایی آینه اندیشه است. « يَا هِشَامُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ - ای هشام برای هر چیزی دلیل و راهنمایی است (که ما را به آن می‌رساند) و دلیل و راهنمای خرد، اندیشه است و دلیل اندیشه، آرامش است. » (الکافی ۱/ ۱۵)

« وَ كَثْرَةُ النَّوْمِ تَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشُّرْبِ وَ كَثْرَةُ الشُّرْبِ تَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشَّبَعِ وَ هُمَا يَتَقْلَانِ النَّفْسَ عَنِ الطَّاعَةِ وَ يَقْسِيَانِ الْقَلْبَ عَنِ التَّفَكُّرِ وَ الْخُسُوعِ - زیادی خواب، از زیادی نوشیدن آب متولد می‌شود و زیادی نوشیدن آب، از زیادی سیری (و پرخوری) متولد می‌گردد و این دو، نفس را سنگین کرده از انجام طاعت خدا باز می‌دارد و قلب را از اندیشه و خشوع (در مقابل خداوند) قسّی می‌کنند. » (مستدرک الوسائل ۵/ ۱۲۳)

همه خواهند تو را، مُسلم و ترسا و یهود راستی بر سر کوی تو عجب غوغایی است

« وَ لِسَانَكَ الذِّكْرَ »: امام علی علیه السلام فرمودند: مؤمن وقت خویش را سه بخش می‌کند: بخشی که در آن با پروردگار خویش مناجات (و او را عبادت) کند ، بخشی که در آن به دنبال تأمین معاش خویش رود و بخشی که به خلوت (و استراحت) پردازد، تا از آنچه حلال و زبینه است، لذّت ببرد. » (الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۵، ص ۴۵۸)

در روایات آمده است که امام(ع) پس از فراغت از جهاد، به آموزش و قضاوت در میان مردم می‌پرداخت و پس از آن به کار در مزرعه اشتغال داشت و در همان حال به ذکر خدا مشغول بود. با آن همه مجاهدتها و روزها را روزه داشت و شبها را به عبادت مشغول بود. (ارشاد القلوب، دیلمی، ج ۲، ص ۲۱۸)

فجر تا سینه آفاق شکافت چشم بیدارِ علی خفته نیافت

« وَ جَسَدَكَ الْعِبَادَةَ »: « وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ » (حجر / ۹۹) «پروردگارت را عبادت کن تا تو را یقین فرا رسد.» کدام عارفی جز علی(ع) می‌تواند بگوید: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِيناً - اگر تمام حجابهای عالم برداشته شود، ذره‌ای به یقین او افزوده نمی‌شود.»

حضرت علی علیه السلام عابدترین مردم بود و بیشتر از همه نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت(فَكَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ وَ أَكْثَرَهُمْ صَلَاةً وَ صَوْماً)(بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۴۸) علی علیه السلام عابدترین مردم بود و بیشترین نماز و روزه را نسبت به مردم داشت. « عبادت او برای رفع تکلیف نبود؛ بلکه او محب حقیقی بود و جز جمال دلربای حقیقت چیزی در نظرش جلوه‌گر نمی‌شد. مردی به نام «ذُعْلَبُ» عرض کرد: یا امیر المؤمنین! آیا پروردگارت را دیده‌ای؟ آن حضرت فرمود: «وَيْلَكَ مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ قَالَ وَ كَيْفَ رَأَيْتَهُ قَالَ وَيْلَكَ لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ فِي مُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ - وای بر تو! من پروردگاری را که نبینم عبادت نمی‌کنم. ذعلب پرسید: او را چگونه می‌بینی؟ امام فرمود:

وای بر تو! دیده های ظاهر او را نتواند دید؛ ولی دیده های دل به وسیله حقایق ایمان او را مشاهده می کنند.» (کافی، ج ۱، ص ۹۸، ح ۶)

کسی که پاره ای از شب را با خدای خود راز و نیاز دارد، در زندگی دنیوی و اخروی خود رستگار خواهد بود و عبادتها و گریه های شبانه، راهگشای مشکلات روز و سبب دریافت توفیقات الهی برای او می گردد. امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ عَلِيًّا (ع) فِي آخِرِ عُمْرِهِ كَانَ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ - علی (ع) در آخر عمرش در هر روز و شب هزار رکعت نماز می خواند.»

به چشم ظاهر اگر رخصت تماشا نیست نبسته است کسی شاهراه دل ها را

« وَ عَيْنِيكَ الْبُكَاءَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ »: امام علی علیه السلام ویژگی های منحصر به فردی دارد؛ زیرا صفات و کمالات متباین و متضاد را در خود جمع کرده است. صفاتی مانند: حکومت و تواضع، خوف و خشیت و شجاعت، ثروت و زهد، قدرت و صبر، غضب و حلم و....

«ابو درداء» که یکی از اصحاب پیغمبر (ص) است، می گوید: در شب تاریکی از نخلستانی عبور می کردم. نجوای کسی را شنیدم که با خدا مناجات می کرد. چون نزدیک شدم، دیدم علی (ع) است. خود را پشت درخت مخفی کردم و دیدم که او با خوف و خشیت تمام و با آهنگ حزین مناجات می کند و از خوف آتش سوزان جهنم گریه می نماید و به خدا پناه برده، طلف عفو و بخشش می کند. آنقدر گریه کرد که بی حس و حرکت بر زمین افتاد! گفتم شاید خوابش برده است، نزدیکش رفتم، چون چوب خشکی افتاده بود. او را تکان دادم، حرکت نکرد. گفتم: حتماً از دنیا رفته است. شتابان به منزلش رفتم و خیر مرگ او را به حضرت زهرا (س) رساندم. ایشان فرمود: مگر او را چگونه دیدی؟ من شرح ما وقع را گفتم. حضرت (س) فرمود: او نمرده؛ بلکه از خوف خدا غش کرده است.» (ارشاد القلوب، دیلمی، ج ۲، ص ۲۱۸) حضرت علی (ع) قلب پاک و خشوع را لازمه عبادت می داند: «يَا كَمِيلُ لَيْسَ الشَّأْنُ أَنْ تُصَلِّيَ وَ تَصُومَ وَ تَتَصَدَّقَ [إِنَّمَا] الشَّأْنُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةَ فَعَلْتَ بِقَلْبٍ تَقِيٍّ وَ عَمَلٍ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٍّ وَ خُشُوعٍ سَوِيٍّ وَ إِبْقَاءٍ لِلْجَدِّ فِيهَا الْوَصِيَّةَ - ای کمیل! مقام این نیست که نماز گزاری و روزه بگیری و صدقه دهی، مقام آن است که نماز همراه قلب پاک انجام شود و مورد پسند الهی بوده، همراه با خشوع متعادل، و دوام جدیت باشد.» (بشارة المصطفى : ۲) و نیز فرمود: «الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَنْ لَا يَرْجُوَ الرَّجُلُ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ؛ (غرر الحكم : ۲۱۲۸) عبادت خالص آن است که آدمی فقط به پروردگارش امید داشته باشد و جز از گناهش نترسد.»

صدای جان فرا و دلنشینی

ز نخلستان بگوش آید طنینی

ندای آتشین و عاشقانه

علی دارد مناجات شبانه

« وَ لَا تَهْتَمُّ بِرِزْقِ عَدٍ »: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) : «غم روزی فردا را مخور؛ زیرا هر فردایی روزی را با خود می آورد - لَا تَهْتَمُّ لِرِزْقِ عَدٍ فَإِنَّ كُلَّ عَدٍ يَأْتِي بِرِزْقِهِ» (بحار الأنوار : ۶/۶۷/۷۷) امام علی (ع) فرمود: «بر شما باد به میانروی در خوراکیها، که هم از اسراف بدور است، و هم برای سلامتی بدن مناسبتر، و هم برای عبادت بهتر.» (الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۳۵۳) روزی برای پیامبر خدا (ص) دو شتر بزرگ آوردند. حضرت به اصحاب فرمود: آیا در میان شما کسی هست که دو رکعت نماز بخواند و در آن هیچ گونه فکر دنیا به خود راه ندهد، تا یکی از این دو شتر را به او بدهم؟ این فرمایش را چند بار تکرار فرمود؛ اما کسی از اصحاب پاسخ نداد. امیر المؤمنین (ع) به پا خاست و

عرض کرد: یا رسول الله! من می‌توانم آن دو رکعت نماز را بخوانم. پیامبر(ص) فرمود: بسیار خوب. به جای آور! امیر المؤمنین(ع) مشغول نماز شد، هنگامی که سلام نماز را داد، جبرئیل نازل شد، عرض کرد: خداوند می‌فرماید: یکی از شترها را به علی بده! رسول خدا(ص) فرمود: شرط من این بود که هنگام نماز اندیشه‌ای از امور دنیا را به خود راه ندهد. علی در تشهد نشسته بود، فکر کرد کدام یک از شترها را بگیرد. جبرئیل گفت: خداوند می‌فرماید: هدف علی(ع) این بود که کدام شتر چاق‌تر است، آن را بگیرد، بکشد و به فقرا بدهد، پس اندیشه‌اش برای خدا بود، نه برای خودش و نه برای دنیا. آنگاه پیامبر(ص) به خاطر تشکر از حضرت علی(ع) هر دو شتر را به او داد.» (شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۲۶۷)

آن شیر دلاور که برای طمع نفس بر خوان جهان پنجه نیالود، علی بود

« وَ أَلْزِمَ الْمَسَاجِدَ عُمَّارَهَا هُمْ أَهْلُ اللَّهِ »: پیامبر (ص) به دستور خداوند تمام درهای منتهی به مسجد را بست مگر خانه علی(ع) را این امر بر مهاجر و انصار گران آمد و در مذمت این امر مطالبی گفتند؛ آن حضرت روزی در مسجد مدینه برای آنان خطبه خواند و در ضمن آن فرمود: «قد بلغنی ما قلتم فی سد الابواب، والله ما انا فعلت ذلك، ولكن الله فعله... آنچه در باره بسته شدن درها گفتید، خبرش به من رسید. به خدا سوگند من آن را انجام ندادم، بلکه این فرمان الهی بود [که از طریق من به شما ابلاغ گردید]. خداوند سبحان بار دیگر فضیلت و برتری علی(ع) را پس از پیامبر (ص) بر تمامی خلائق، از جمله بر همه اصحاب و یاران رسول خدا (ص) اثبات و آشکار نمود (شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (ع)، ج ۲، ص ۱۸۰، حدیث ۵۲۰؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۵۱)

بر صفحه روزگار اگر خیره شوی مفهوم نمود کردگارست علی

« وَ خَاصَّتِهِ قُرْأُ كِتَابِهِ الْعَامِلُونَ بِهِ »: در زمانی که حضرت خانه‌نشین شدند، روزی ابوبکر کسی را سراغ حضرت فرستاد تا بیرون آمده و بیعت کند، امام علی (علیه السلام) جواب فرستاد: «من مشغول هستم و با خود قسم یاد کرده‌ام که عبا بر دوش نیندازم، جز برای نماز، تا آنکه قرآن را تنظیم و جمع‌آوری نمایم.» (کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۵۱۸) «ابی مالک» از «ابن عباس» نقل می‌کند: «عبد الرحمن بن عوف» چند تن از اصحاب رسول الله(ص) را به نماز جماعت دعوت کرد. چون جمع شدند، امام علی(ع) را امام جماعت خویش قرار دادند؛ زیرا آن حضرت قرآن را بهتر از دیگران قرائت می‌کرد. «ابن فضیل» می‌گوید: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَقْرَأَ مِنْ عَلِيٍّ (ع) - احدی را قاری‌تر از علی بن ابی‌طالب(ع) ندیدم.» (شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حسکانی، ج ۱، ص ۳۲) یعنی هیچ کس را ندیدیم قرآن را بهتر از علی(ع) تلاوت کند.

میسر نگردد به کس این سعادت به کعبه ولادت به مسجد شهادت

« شهادت امام سید اوصیاء علیه السلام »

مثل چنین ایامی امام مظلومان و یاور غریبان، غریبانه در بستر بیماری افتادند شیعیان و دوستداران حضرت کنار خانه مولا می‌آمدند و برای ملاقات با حضرت اجازه می‌گرفتند. چه حالی دارد امیر المؤمنین (علیه السلام)؟ حضرت با بدنی بی‌رمق در بستر افتاده اصبع بن نباته می‌گوید: دستمال زردی بر سر مبارکش بسته بود، آنقدر رنگ صورت آقا تغییر کرده بود که فرقی میان زردی دستمال و رنگ صورت نیست. «عمرو بن حمق خزاعی» از یاران خاص حضرت در وقت عیادت جویای حال مولا شد،

حضرت فرمودند: «إِنِّي مُفَارِقُكُمْ» ؛ این ساعت ها ساعات آخر عُمر من است. فرزندان حضرت با شنیدن این سخنان گریه کردند؛ بی قرار شدند؛ حضرت امیر(ع) فرزندان خود را آرام کردند، سپس به امام حسن مجتبی(ع) فرمودند: «يَا مُجْتَبَى لَا تَبْكْ؛ پسرم گریه نکن»، یه روزی می رسد تو هم در بستر بیماری می افتی: «إِنَّكَ تُقْتَلُ بِالسَّمِّ»؛ تو را نیز مسموم می کنند». کنار بستر امیرالمؤمنین ابا عبدالله آنقدر گریه کرد که چشمهای شریفش مجروح شد . پدر که بی قراری پسر را مشاهده کرد فرمود: «يَا وَلَدِي أَنْتَ شَهِيدٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ ؛ پسرم تو شهید این امت هستی.» اگر چه امیرالمؤمنین (ع) نیز خودش شهید این امت هستند؛ اما آن حضرت فقط با یک ضربت ابن ملجم مجروح شدند و به شهادت رسیدند، یقیناً مصیبت شهادت ابا عبدالله جانگدازتر است؛ چرا که عصر عاشورا در کربلا حضرت را را محاصره کردند، عده ای با نیزه؛ عده ای با شمشیر؛ فرقه ای با سنگ و حتی بعضی ها با چوب و با عصا به بدن حضرت می زدند.

آن شب به داغ مولا مهتاب گریه می کرد تصویر ماه در آب بی تاب گریه می کرد

شد چهره عدالت گلگون ز تیغ فتنه پیش نگاه مسجد محراب گریه می کرد

همچون برادرانش زینب به چشم خون داشت آن آیه صبوری بی تاب گریه می کرد

لاحول ولا قوّة الا بالله العلی العظیم

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة